

بازهم بجواب باری جهانی

قبل از آغاز جواب میخواهم بگویم که لعنت بر دروغگو و کسی که بر دیگران اتهام می بندد. من آنچه در باره جهانی نوشته ام از دوستان نزدیک او شنیده ام و اگر از کسی نام نمی برم بخاطر این است که بدون اجازه آنها نمیتوانم نام شان را یاد کنم.

جهانی از حزبی بودن خود منکراست، در حالی که انسانهای باشرف و صادق القول زیادی او را می شناسند و شهادت میدهند که یک حزبی منسوب به جناح خلق در گروه ظاهر افاق بود. او شعری دارد که بیانگر موقف حزبی اوست و در یک مصرع از سرنگونی داودخان چنین مژده داده: «**زموژ کشتی دوبوله، خپل دریایی توپانی سو**» در یک محفل داکتر سیاه سنگ دلیل سرودن این شعر را از او پرسید ولی او بگونه ای توجیه کرد که سیاه سنگ آنرا نپذیرفت و از آن ببعد با او مخالف شد.

برای من یکی از استادان پشتون پوهنتون کابل قصه میکرده که در زمان داکتر نجیب الله باری جهانی در کمیته مرکزی حزب در شعبه تبلیغ و ترویج کار میکرد. این استاد پوهنتون میگفت هنگامی که میخواستم از افغانستان خارج شوم، برای خدا حافظی با باری جهانی به کمیته مرکزی حزب رفتم و از او خدا حافظی گرفتم. من دوبار از این استاد پرسیدم که زمان این خدا حافظی شما با باری جهانی در عهدکارمل بود یا در زمان داکتر نجیب، برایم گفت در دوره نجیب و در سالهای اخیر قدرت او بود. دلیل وجود باری جهانی را در کمیته مرکزی، وجود عبدالواحد فراهی دوست باری جهانی میدانست که خودش از اشخاص مقرب و مورد اعتماد داکتر نجیب بود. این استاد پوهنتون اکنون در یکی از کشورهای امریکائی زندگی میکند. آنچه را من از آن استاد پوهنتون شنیده ام درباره باری جهانی یادآور شده ام. اما جناب باری جهانی عادت دارد تا همیشه منکر بماند.

جهانی میگوید: چرا من به نوشته های داکتر زمانی استناد کرده و چندین بار از او نقل قول کرده ام، این سخنش علاوه بر حساسیت او در برابر نام داکتر زمانی، نمایانگر نا آگاهی او از روش تحقیق نیز هست. محقق میتواند بار بار از نوشته یک محقق با اعتبار نقل قول کند و برای اینکه خواننده را به اهمیت بخش های مختلف یک نوشته متوجه سازد لازم است تا با ذکر نام مولف خواننده را برای مطالعه بیشتر متن مورد بحث با خود ببرد.

افزون بر این داکتر زمانی محقق دانشمندی است که اسناد آرشیف های محرم انگلیس و سرویس های استخباراتی انگلیس را مطالعه کرده و با روح دسایس و توطئه های انگلیس در رابطه به سلطنت شاه امان الله و علل سقوط آن بکلی آشنا و آگاه است و در بساموارد مشیت جهانی را و داکتر کاکر را باز کرده است، از اینست که نمیخواهد من به نوشته ها و مقالات و کتابهای جناب زمانی استناد کنم.

جهانی در یک نوشته مفصل خود زیر عنوان «**د اعلیحضرت امان الله خان اصلاحات او سقوط**» هم به میخ میزند و هم به نعل، به پراگراف ذیل از نوشته او توجه کنید که مینویسد: «**اعلیحضرت امان الله خان،**

چی په نړی کی د وخت د تر ټولو ستر استعماری طاقت په مقابل کی د سر پورته کولو او د جنگ داغلونولو په افتخار خپل اولس په جوش او خروبن استقبال کړی او دغازی لقب یې ورکړی و، خپل هغه اولس صرف د ترقی، ازادی او پر مختگ سره دهغه دلپونی مینی په گناه د کافر او لاتی په نوم له ملکه **وشاره** .

[ترجمه: اعلیحضرت امان الله خان که درمقابل بزرگترین قدرت بزرگ استعماری وقت، مردم را به قیام و جنگ فراخواند و مردم با جوش و خروش از فراخوان او استقبال کردند و به او لقب غازی دادند، مگر همان مردم هم او را بگناه عشق دیوانه وارش به ترقی، آزادی و پیشرفت از کشور «**رانند**».]

جهانی در عبارت بالا با گفتن کلمه «**رانند**» زشت ترین کلمه را در حق شاه امان الله بکار برده است، کلمه «**رانند**» معولان در حق دشمن یا متجاوز بکار میرود نه در حق یک شاه سر بلند وطن دوست که کمترین حقش برگردن مردم استرداد استقلال کشور بود.

در اینجا جهانی در موقف یک سخنگوی دشمن قرار میگیرد که، اولاً در سقوط رژیم امانی، بجای نقش توطئه های دشمنان داخلی و خارجی، خود مردم افغانستان را عامل سقوط نهضت امانی می شمارد، ثانیاً اتهامات کفر و بی دینی به شاه را، حقیقت جلوه داده عامل شورشهای مردم افغانستان می شمارد، و سوم اینکه تصمیم خروج شاه از کشور را بخاطر جلوگیری از خون ریزی مردم و جنگ داخلی اقوام ندانسته میگوید خود مردم شاه را بازوراز کشور رانده اند!!

جهانی می باید قبل از بر شمردن اشتباهات شاه امان الله از اقدامات تجدد طلبانه و اهداف وطن پرستانه شاه و مشروطه خواهان بطور مفصل یاد میکرد و بعد وجدانش را قاضی گرفته میگفت: ای امان الله! تو چطور توانستی بریک کشور چندین ملیونی غرق در جهالت و نادانی و خرافات. سنتهای قرون وسطائی مدت ده سال بدون کمک کدام کشور خارجی با کمال آزادی و سرافرازی حکومت کنی ، حالانکه خودم یکصد سال بعد از تو از عهده اداره یک وزارت ۲ هزار نفره با مردمان باسواد و تحصیل کرده برآمده نتوانستم و ناکام و خجل مجبور به ترک وظیفه و فرار شدم. **ختم**